

خداوندا، سپاس ما را برای قرآن
بپذیر

فقط خدا - فقط قرآن

سوره كهف - سوره 18

سوره كهف

[این سوره را بشنوید](#)

مکی و شامل یکصد و ده آیه

بنام خداوند بخشنده مهربان

- 001- **ستایش (بزرگداشت) فقط برای خداست** که قرآن را بر بنده‌اش (محمد) نازل کرد و هیچگونه انحرافی در آن قرار نداد.
- 002- **قرآن کتابی است راست و استوار تا مردم را از عذاب سختی بر حذر دارد و به افراد باایمانی که کار درست میکنند مژده بدهد که پاداش نیکویی دارند.**
- 003- و همیشه در آن (در بهشت) میمانند.
- 004- و کسانی را که گفتند خدا فرزند دارد بیم دهد.
- 005- آنها و پدرانشان به حرفی که میزنند علمی ندارند.
- حرفی که میزنند گناه بزرگی است.
- آنها فقط دروغ میگویند.
- 006- شاید اگر به این حرف ایمان نیاورند از شدت تاسف خودت را بخاطر آنها هلاک کنی.
- 007- ما تمام چیزهایی را که روی زمین است برای زینت و زیبایی آن بوجود آورده‌ایم **تا مردم را امتحان کنیم که کار کدامشان بهتر است.**
- 008- ما تمام چیزهایی را که روی زمین است بصورت بیابانی بدون گیاه درمی‌آوریم.
- 009- آیا خیال کرده‌ای که اصحاب كهف (غار) و رقیم از آیات عجیب ما بوده است؟
- 010- وقتی چند جوان به غار پناه بردند و گفتند خداوندا، بما رحمتی کن و وسیله هدایت ما را در کارمان فراهم نما.
- 011- ما آنها را چند سال در غار بخواب بردیم.
- 012- بعد آنها را از خواب بیدار کردیم تا معلوم گردانیم کدام دسته حساب مدتی که خوابیده‌اند را بهتر کرده‌اند.
- 013- ما خبر آنها را به درستی بتو میگوییم.
- آنها جوانانی بودند که به خداوندشان ایمان آوردند و ما هدایت آنها را زیاد کردیم.
- 014- وقتی از خواب برخاستند به آنها قوت قلب دادیم، در نتیجه گفتند خداوند ما خداوند آسمانها و زمین است. **معبود دیگری را غیر از او بکم نمی‌خوانیم، چون در آنصورت حرفی دور از حقیقت زده‌ایم.**
- 015- اینها قوم ما هستند که برای خود معبودهایی غیر از خدا درست کرده‌اند. چرا دلیل روشنی برای حرف خود نمی‌آورند؟
- چه کسی ظالم تر از کسی است که از قول خدا دروغ بگوید؟**
- 016- به هم گفتند وقتی از آنها و چیزهایی که غیر از خدا میپرستند کناره جوئی میکنید به غار پناه ببرید تا خداوندتان رحمت خودش را بر شما زیاد کند و گشایشی در کارتان فراهم کند.
- 017- خورشید را می‌بینی که موقع طلوع به طرف راست غارشان میل میکند و موقع غروب بطرف چپ و آنها در وسط غار (جای وسیع آن) هستند. این از آیات خداست، **کسی را که خداوند هدایت کند، واقعاً هدایت شده** و کسی را که گمراه کند، (مطابق قانونش بی راه گذارد) **2**
- کسی را پیدا نمیکنی که به او کمک و او را هدایت کند.
- 018- تو خیال میکنی که آنها بیدارند در صورتیکه خوابند.
- آنها را این پهلو آن پهلو میکنیم و سگشان دو دست خود را بطرف آستانه غار دراز کرده بود.
- اگر به حال آنها پی میبردی دچار ترس شدید میشدی و فرار میکردی.
- 019- به این ترتیب آنها را از خواب بیدار کردیم تا از هم بپرسند چقدر خوابیده‌اند.

- یکی از آنها گفت چقدر خوابیده بودید؟
گفتند یک روز یا مقداری از روز.
گفتند خدا بهتر میداند که چقدر خوابیده‌اید.
- یک نفر را با پول به شهر بفرستید و باید ببیند چه غذایی پاک تر است تا از آن بخرد و برای شما بیاورد و باید با ملایمت رفتار کند تا کسی از وضع شما آگاه نشود.
- 020- چون اگر آنها شما را پیدا کنند، سنگسارتان میکنند
یا شما را به دین خود برمیگردانند که در این صورت هرگز رستگار نمیشوید.
- 021- به این ترتیب مردم را متوجه حال آنها کردیم تا بدانند وعده خدا درست است و شکی درباره قیامت وجود ندارد.
وقتی مردم درباره کارشان با هم بگومگو میکردند، گفتند بنائی در جای ایشان بسازیم.
خداوندشان به وضع آنها دانا تر است.
کسانی که حرفشان به کرسی نشست گفتند مسجدی در جای آنها میسازیم.
- 022- بعضی میگویند سه نفر بودند و سگشان چهارمی آنها بود،
بعضی میگویند پنج نفر بودند و سگشان ششمی آنها بود.
بدون دلیل حرف میزنند، بعضی میگویند هفت نفر بودند و سگشان هشتمی آنها بود.
بگو خدا عده آنها را بهتر میداند.
فقط عده کمی تعداد آنها را میدانند.
درباره آنها بحثی ظاهری بکن و از هیچکس درباره آنها نظرخواهی نکن.
- 023- نگوئید من فردا اینکار را میکنم.
- 024- **مگر اینکه خدا بخواهد.**
وقتی فراموش کردی خداوندت را بخاطر بیاور و بگو
ممکن است خدا مرا به کاری بهتر از این کاری که تصمیم دارم بکنم هدایت کند.
- 025- در غارشان سیصد و نه سال قمری ماندند.
- 026- بگو خدا بهتر میداند که چقدر خواب بودند.
غیب آسمانها و زمین متعلق به اوست.
چقدر بیبا و شنوا است.
- مردم یابوری غیر از او ندارند و او کسی را در قانونگزاری شریک خود نمیکند.**
- 027- **هر قدر از کتاب خداوندت که به تو وحی شده بخوان.** 3
سخنان او تغیر ناپذیر است و غیر از او هرگز پناهی پیدا نمیکنی.
- 028- با کسانی باش که صبح و شب در دعا **خداوندشان** را میخوانند و رضایت او را میخواهند.
چشمانت را بخاطر زینت دنیا از چنین افرادی برنگردان و
از کسی اطاعت نکن که قلبش را از یاد خودمان غافل کرده‌ایم
و از دلخواه خود پیروی میکند و کار او روی افراط است.
- 029- بگو حق از خداوندتان میباشد. هر که بخواد ایمان بیاورد و هر که بخواد کافر شود.
ما آتش جهنم را برای کافران آماده کرده‌ایم که سرا پرده‌اش آنها را در بر میگیرد.
اگر کمک بخواهند با آبی مثل فلز گداخته که صورت را بریان میکند به آنها کمک میشود.
چه آب بد و چه منزل بدی است.
- 030- **کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند بدانند**
که ما پاداش کسانی را که کار درست کرده‌اند از بین نمی بریم. 4
- 031- آنها بهشت‌هایی دارند که در آنها نهرها روان است و با دستبندهای طلا مزین میشوند
و حریر سبز نازک و کلفت می پوشند و بر تختها تکیه میزنند.
بهشت چه پاداش خوب و چه استراحتگاه خوبی است.
- 032- برای آنها مثلی بزن. حکایت دو مرد که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم
که با درختان خرما احاطه شده بود و بین آنها هم کشتزاری وجود داشت.
- 033- هر دو باغ محصول خود را میدادند و چیزی فروگذار نمیکردند.

- وسط آن دو باغ هم نهری روان کردیم.
- 034- همه محصول آن مال او بود.
- یک روز در حال صحبت با دوستش گفت مال من بیشتر از مال تو است و از نظر نفرات هم از تو نیرومند تر هستم.
- 035- و در حالیکه به خودش ظلم میکرد وارد باغش شد و گفت فکر نمیکنم این باغ هیچوقت از بین برود.
- 036- و فکر نمیکنم که قیامت برپا شود.
- حتی اگر پیش خداوندم برگردانده شوم، جانی بهتر از این خواهم داشت.
- 037- دوستش به او گفت آیا منکر خدائی هستی که ترا از خاک و بعد از نطفه آفرید و بالاخره از تو مردی ساخت؟ 5
- 038- ولی من میگویم **خدا صاحب اختیار من است و احدی را شریک خداوند نمی‌سازم** (از فرمان هیچکس جز او بدون چون و چرا اطاعت نمیکنم).
- 039- چرا وقتی داخل باغش شدی نگفتی **این چیز است که خدا خواسته و هیچ نیروی نیست جز بوسیله خدا؟**
- اگر مرا از نظر مال و فرزند کمتر از خودت می‌بینی
- 040- شاید خدا بمن چیزی بهتر از باغ تو بدهد و از آسمان بلایی بر باغ تو نازل کند و باغت بصورت زمینی خشک و صاف و بیحاصل درآید.
- 041- یا آتش فروکش کند و دیگر نتوانی آن را بدست بیاوری.
- 042- و بلا بر آن نازل شد و داربست‌هایش در هم شکست و بخاطر خرجی که برای آن کرده بود، دست‌هایش را بهم میمالید و میگفت کاش کسی را شریک خداوند نمی‌ساختم.
- 043- کسانی غیر از خدا وجود نداشتند که به او کمک کنند و خودش هم نمیتوانست کمکی بخود بکند.
- 044- آنجا متوجه شد که **کمک کردن فقط از آن خداست** و بهترین پاداش و عاقبت خوش هم در اختیار اوست.
- 045- برایشان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبیست که از آسمان نازل کردیم و گیاهان زمین بزرگ شدند و در هم فرو رفتند و بعد خشک و خرد شدند و باد آنها را پراکنده کرد. خدا قادر به هر کاری است.
- 046- **مال و فرزند زینت زندگی دنیا است.**
- ولی اعمال صالح که نتیجه اش همیشه باقی است در پیش خداوندت بهترین پاداش و دلخواه را دارد.**
- 047- روزی که کوهها را به حرکت درآوریم و زمین را صاف و هموار ببینی و همه آنها را جمع کنیم و کسی را از قلم نیندازیم.
- 048- و صف بسته به خداوندت عرضه شوند، به آنها گفته میشود همانطور که اولین بار شما را خلق کردیم اکنون پیش ما آمدید. ولی شما خیال میکردید که قراری برای شما نگذاشته‌ایم.
- 049- **و نامه اعمال گذاشته شود و گناهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است هراسان میباشند و میگویند وای بر ما این چه جور پرونده‌ای است؟! هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر به حساب آمده و فرو گذار نشده و هر کاری که کرده‌اند حاضر می‌یابند و خداوند تو به کسی ظلم نمیکند.**
- 050- وقتی را یاد آوری کن که به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید. همه سجده کردند غیر از ابلیس که جن بود. او از دستور خداوندش اطاعت نکرد.
- آیا باز او و فرزندانش را بجای من دوست و یاور خود میگیرید؟ در صورتیکه او دشمن شما است. برای ظالم‌ها شیطان جانشین بدی است.
- 051- من آنها را هنگام خلقت آسمانها و زمین و خلقت خودشان شاهد نساختم و گمراه کنندگان را مددکار خود نگرفتم.
- 052- **روزیکه خداوند گوید آتهانی را که فکر میکردید شریک من هستند صدا بزنید. آنها را صدا میزنند ولی به ندای آنها پاسخی داده نمیشود.**
- بین آنها پرتگاهی قرار داده ایم.
- 053- گناهکاران آتش جهنم را می‌بینند و گمان میکنند که در آن می‌افتند و راهی برای برگشتن از آن پیدا نمیکنند.
- 054- ما در این قرآن هر گونه مثلی برای **هدایت مردم** زده‌ایم ولی انسان بیشتر از هر چیزی اهل بگومگو است.
- 055- وقتی هدایت برای آنها آمد، هیچ چیز مانع ایمان آوردن و آمرزش خواستن آنها از خداوند نشد

- مگر انتظار اینکه روشی که درباره گذشتگان اجرا شده بود برای آنها بیاید یا عذاب روبرویشان قرار بگیرد.
- 056- ما پیغمبران را برای بشارت دادن (درباره عاقبت کارهای خوب) و ترساندن (از عاقبت کارهای بد) میفرستیم و افراد کافر بیاطل بگومگو میکنند تا با آن حق را پایمال کنند و آیات مرا و بیمی را که از عاقبت کار بدشان به آنها داده شده به مسخره گرفتند.
- 057- **کیست ظالم تر از کسی که آیات خدا به او گفته شود و او از آن روگردان باشد** و کارهایی را که کرده فراموش کند؟ ما بر دلپایشان پرده‌ای افکنده‌ایم که نفهمند و گوششان را سنگین ساخته‌ایم (که حقیقت را نشوند). اگر آنها را براه صحیح دعوت کنی هیچگاه هدایت نمی‌شوند.
- 058- خداوند تو آمرزنده و صاحب رحمت است. اگر خدا بعلت کارهاییکه میکردند آنها را مؤاخذه مینمود، در عذاب آنها عجله میکرد ولی برای هلاک آنها زمانی تعیین شده که راه فراری از آن پیدا نمیکنند. **6**
- 059- این ها شهرهائی است که چون ظلم کردند نابودشان کردیم و برای نابود کردن آنها مدتی تعیین نمودیم.
- 060- موقعی را یاد آوری کن که موسی به همسفر جوانش گفت تا به محل بهم رسیدن دو دریا نرسیم یا مدت درازی صرف آن نکنم، از این مسافرت دست برنمیدارم.
- 061- چون به محل برخورد دو دریا رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند و ماهی راهش را در دریا پیش گرفت و رفت.
- 062- وقتی از آن محل گذشتند موسی به جوان گفت غذایمان را بیاور. ما در این سفر رنج زیادی کشیده ایم.
- 063- جوان گفت آیا متوجه شدی که وقتی ما به صخره پناه بردیم من ماهی را فراموش کردم و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد و ماهی بطور عجیبی به دریا رفت.
- 064- موسی گفت این همان جایی است که دنبالش میگشتم. بنابراین جستجوکنان از راهی که رفته بودند به عقب برگشتند.
- 065- و یکی از بندگان ما را یافتند که به لطف خودمان به او علمی یاد داده بودیم.
- 066- موسی به او گفت آیا اجازه میدهی که من دنبال تو بیایم تا مقداری از علمی که بتو آموخته‌اند بمن بیاموزی؟ **7**
- 067- او گفت تو نمیتوانی در کنار من صبر داشته باشی.
- 068- چگونه میتوانی در مورد چیزی که از آن اطلاعی نداری صبر کنی؟
- 069- موسی گفت اگر خدا بخواهد مرا در این کار صبور خواهی یافت و از دستور تو سرپیچی نمیکنم.
- 070- او گفت اگر دنبال من بیایی نباید درباره چیزی سؤال کنی تا خودم درباره آن حرف بزنم.
- 071- با این شرط براه افتادند تا اینکه سوار کشتی شدند. آن مرد کشتی را سوراخ کرد. موسی به او گفت آیا کشتی را سوراخ کردی که اهل آن را غرق کنی؟ واقعاً کار زشتی کردی.
- 072- او گفت آیا به تو نگفتم که تو نمیتوانی طاقت بیاوری؟
- 073- موسی گفت بخاطر قولی که فراموش کردم مرا مؤاخذه نکن و در کار من سخت گیری نکن.
- 074- باز راه افتادند تا به جوانی برخوردند او آن جوان را کشت. موسی گفت آیا آدم بیگناهی که کسی را نکشته بود کشتی؟ واقعاً کار زشتی کردی.
- 075- او گفت آیا به تو نگفتم که طاقت دیدن کارهای مرا نداری؟
- 076- موسی گفت اگر بعد از این از تو درباره چیزی سؤال کردم دیگر با من همراهی نکن چون از جانب من معذور خواهی بود.
- 077- و به راه افتادند تا به شهری رسیدند و از اهالی آن غذا خواستند اما آنها از مهمان کردن ایشان خودداری کردند. آنگاه در شهر دیواری پیدا کردند که میخواست خراب شود. او آن را درست کرد. موسی گفت اگر میخواستی، برای اینکار از آنها مزدی میگریفتی.
- 078- او به موسی گفت اکنون موقع جدائی بین من و تو است. من حالا تاویل چیزهایی را که نتوانستی در مقابل آن صبر کنی بتو میگویم.
- 079- اما کشتی مال افراد تهیدستی بود که با آن در دریا کار میکردند (و خرج خانواده خود را تامین میکردند) خواستم آنرا خراب کنم (که به دریا نروند) چون پشت سر آنها پادشاهی بود

- که هر کشتی را بزور می‌گرفت (خواستم کشتی را از دست ندهند).
- 080- اما جوان، پدر و مادرش آدمهای باایمانی بودند.
ترسیدم پدر و مادرش را به طغیان و کفر بکشد.
- 081- خواستیم که خدا فرزند بهتری به آنها بدهد که پاکتر و مهربانتر از او باشد.
- 082- اما دیوار در شهر مال دو جوان یتیم بود و زیر آن گنجی متعلق به آنها بود و پدرشان آدم درستکاری بود.
خداوند تو خواست که آنها به حد بلوغ و قدرت برسند و گنجشان را به لطف خداوندت درآورند.
اینکارها را از طرف خودم نکردم. این تاویل کارهائی بود که نتوانستی در مقابل آن صبر کنی. **8**
- 083- درباره ذوالقرنین از تو سؤال میکنند. **9**
بگو درباره او مطلبی بشما خواهم گفت.
- 084- ما او را در زمین به قدرت رساندیم و وسیله هر کاری را به او دادیم.
- 085- او راهی را دنبال کرد.
- 086- تا به محل غروب خورشید رسید و بنظرش رسید
که خورشید در چشمه گل آلود تیره رنگی غروب میکند و در آنجا قومی را پیدا کرد.
به او گفتیم ای ذوالقرنین، آنها را عذاب میکنی یا روش خوبی درباره آنها پیش میگیری؟
- 087- ذوالقرنین گفت اگر کسی ظلم کند او را عذاب میکنم و بعد پیش خدایش برگردانده میشود
و خدا او را مجازات سختی خواهد کرد.
- 088- اما کسی که ایمان آورده و کار درست کند پاداش خوبی دارد و دستور آسانی در حق او صادر میکنیم.
- 089- بعد دنبال راه دیگری رفت
- 090- تا به محل طلوع خورشید رسید.
- دید که خورشید بر مردمی طلوع میکند که پوششی غیر از خورشید برای آنها قرار نداده بودیم.
- 091- به این ترتیب رفتار میکرد و ما از آنچه پیش او بود خبر داشتیم.
- 092- بعد دنبال راه دیگری رفت.
- 093- تا بین دو کوه رسید و قومی را آنجا پیدا کرد که زبان نمی فهمیدند.
- 094- گفتند ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در زمین فساد میکنند.
- آیا امکان دارد مالی در اختیار تو بگذاریم که بین ما و آنها سدی بسازی؟
- 095- او گفت قدرتی که خدای من به من داده بهتر است.
با نیروی بدنی خودتان به من کمک کنید تا بین شما و آنها سد محکمی بسازم.
- 096- برای من قطعات آهن بیاورید تا وقتیکه بین دو کوه را مساوی کرد.
گفت بدمید تا وقتیکه آنرا گذاخته کرد.
- گفت برای من مس مذاب بیاورید تا روی آن بریزم.
- 097- بدینسان یاجوج و ماجوج نتوانستند از آن بالا بروند یا سوراخی در آن بوجود آورند.
- 098- گفت این از لطف خداوند من است.
اما چون وعده خداوند من بیاید آنرا با خاک یکسان میکند.
وعده خداوند من راست است.
- 099- آنها را میگذاریم تا در آن روز در هم بلولند و در صور دمیده میشود و همه آنها را جمع میکنیم.
- 100- و آنروز جهنم را به کافران نشان میدهم.
- 101- کافرانی که چشمشان از یاد من در پرده بود و قدرت شنیدن حقیقت را نداشتند.
- 102- **آیا افراد بی‌ایمان خیال کردند که میتوانند بجای من، بندگان مرا اولیاء خود بگیرند؟**
ما جهنم را برای افراد بی‌ایمان آماده کرده‌ایم.
- 103- بگو آیا شما را از پر ضررترین کارها آگاه بکنم؟
- 104- **آنان کسانی هستند که کوشش آنها در زندگی دنیا از بین رفته و خیال میکنند کار خوبی میکنند.**
- 105- **آنها افرادی هستند که منکر آیات خداوندشان و ملاقات او شدند.**
- در نتیجه کارهایشان از بین رفته و روز قیامت ارزشی برای آنها قائل نمی‌شویم.
- 106- **بعثت کفری که ورزیدند و آیات و پیغمبران مرا مسخره کردند جهنم جزای آنهاست.**

- 107- **كسانيكه ايمان آوردند و كار درست كردند باغهاي بهشت محل پذيرائي آنهاست.**
- 108- همیشه در آن میمانند و دنبال تغییر مکان نمیگردند.
- 109- بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات خدای من مرکب شود، حتما دریا تمام میشود قبل از اینکه سخنان خدای من به آخر برسد، اگر چه دریائی مثل آنرا هم بکمک بیاورید.
- 110- **بگو من فقط بشری مثل شما هستم.** 10
- بمن وحی میشود که معبود شما**
(کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی بکنید و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی کنید) **معبودی است یگانه.**
- کسی که امید ملاقات صاحب اختیار خود را دارد** 11
- باید کار صحیح بکند و در بندگی کردن صاحب اختیار خود هیچکس را شریک او نسازد**
(اربابی جز خدا نگیرد و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهای هیچکس جز خدا نباشد).

فهرست سوره ها

سوره بعدی

سوره قبلی

Home Page

این سوره را بشنوید

پاورقی های این سوره

2	كسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند خدا آنها را هدایت نمی‌کند و عذاب پردردی دارند. خدا کافران را هدایت نمی‌کند.
3	مسلمان باید تا آنجا که میتواند قرآن بخواند تا بفهمد چه کارهائی باید بکند و چه کارهائی نباید بکند و چه عقاندى را قبول داشته باشد
4	خدا وعده دروغ نمیدهد ولی پاداش خدائی احتیاج به کار درست و درستکاری دارد.
5	مقاله جنین شناسی در قرآن را بفارسی و انگلیسی در این سایت بخوانید علقه – (مانند کرم کوچک که بجائی می چسبد و آویزان است.) و مضعه (شبیه گوشت نیمه جوشیده.) تا حدود 300 سال پیش که میکروسکوپ کشف شد و بوسیله آن نطفه در رحم مادر برای اولین بار دیده شد، آویزان بودن بچه مثل کرم کوچک در رحم مادر قابل فهم برای بشر نبود. پزشکان بعد از کشف میکروسکوپ حدود 300 سال پیش در داخل رحم مادر این پدیده را برای اولین بار دیدند که بچه در ابتدا در رحم مادر عینا مثل کرم کوچکی است که از دیواره آن آویزان است! و بعد (بعد از مرحله علقه) بشکل گوشت کوچک نیمه جوشیده در میاید! یکی از جراحان مشهور فرانسوی (Dr. Maurice Bucaille) بعد از بررسی در این مورد و موارد دیگر، زبان عربی را یاد گرفت و قرآن را با کنجکاوی هر چه بیشتر خواند و مسلمان شد. او نشریاتی درباره معجزات پزشکی قرآن نوشته و کتابی بسیار خواندنی در این مورد منتشر کرده خواندن این کتاب را به یک یک جویندگان راه علم و حقیقت و تمام مسلمانان جهان شیدیدا توصیه میکنم. این کتاب را در این سایت بخوانید. The Bible The Quran and Science لازم به یاد آوری نیست که مطالب نوشته شده توسط این فرد نظریات یک آدم معمولی نیست. Dr. Maurice Bucaille یکی از مشهور ترین جراحان دنیاست که نظریاتش قابل قبول و احترام دانشمندان جهان میباشد. جلدی از این کتاب چندی پیش توسط یکی دیگر از دانشمندان و مترجمین قرآن مجید و جراح بنام و امام جمعه (مسجد ایمان - لوس انجلس، کالیفرنیا) جناب آقای دکتر گیلانی که افتخار آشنای با ایشان باعث خوشحالی زیاد من است بمن داده شد. (حسن زمان زاده)
6	می بینیم این مهلت برای ایمان آوردن است تا عذاب رفع شود و مهلت پیامبری يك پیامبر نیست.
7	او علم لدنی نداشت و به او آموخته شده بود. علم لدنی علمی است که شخص از کسی نیاموخته باشد.
8	این بنده خدا علم لدنی نداشت و اجرا کننده دستور خدا بود و کارها را از طرف خودش نمیکرد.
9	دو نظر در مورد اینکه ذوالقرنین کیست وجود دارد. عده ای میگویند ذوالقرنین همان اسکندر است ولی تاریخ نشان میدهد که اسکندر فقط بطرف شرق رفت، این مورد با آیه های 18:86 و 18:89 و 18:90 مقابرت دارد. نظر دوم این است که ذوالقرنین کورش پادشاه ایران است. او مطابق آیه های ذکر شده، هم بطرف شرق رفت، هم بطرف غرب نام و کارهای کورش پادشاه ایران در تورات هم ذکر شده است.

<p>هر چه پیغمبر (ص) بگوید من بشری مثل شما هستم زن دارم، بچه دارم، غذا میخورم، دکاتداران دینی میگویند نه او فوق بشر بود. می بینیم که قرآن میفرماید " بشری مثل شما هستم. " دکاتداران دینی برای گرمی بازار خود زیر بار نمیروند و مریدان را فریب میدهند.</p>	10
<p>منظور رسیدن به حضور خداوند است در روز قیامت برای دیدن جزا و پاداش اعمال. این حضور به چه صورت است نمیدانیم.</p>	11